

# نگاهی معرفت‌شناسانه به وقف اسلامی

◀ محمدنوری ▶

## ◀ مقدمه

نویسندگان و پژوهشگران، از گذشته‌های دور تاکنون همواره یا اکثر اوقات از دو زاویه به تحلیل و بررسی جوانب و مسایل وقف پرداخته‌اند: ۱. فقیهان به احکام حقوقی وقف، صیغه وقف، عین موقوفه، موقوفه‌علیه و شرایط وقف با روش و ابزارهای فقهی رسیدگی کرده‌اند؛ ۲. بعضی دیگر با روش تاریخی به مباحثی همچون اولین واقف در تاریخ اسلام و وقف در کشورها یا شهرهایی از جهان اسلام مانند وقف الازهر پرداخته‌اند. غیر از دو گونه مزبور، گاهی در لابه‌لای منابع، موضوع جامعه‌شناختی وقف یعنی بررسی آثار اجتماعی وقف و کارکردهای اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته است. در دوره معاصر، با پژوهش‌های اولیه خاورشناسان، بررسی وقف از این منظر، به ویژه از نگاه جامعه‌شناسی حقوقی افزایش یافته است. اینگونه پژوهش‌ها در زمینه وقف و ارتقای آنها، جای بسی خرسندی است. البته موضوعات متنوعی در این زمینه وجود دارد و از جمله پژوهش مستقلی در باب تحلیل و نقادی مستشرقان، ضروری به نظر می‌رسد.

اما آنچه جای خالی‌اش بیشتر نمود و بروز دارد، تحلیل‌ها و بررسی‌های مسایل وقف از زاویه معرفت‌شناختی و کلامی است. اینگونه مباحث، تنها در لابه‌لای برخی کتب - آن هم به شکل ضعیف و نه جدی -

ارایه شده است و شاید فتورهایی که در گستره کمی و کیفی بررسی‌های فقهی و تاریخی هست، ناشی از نپختگی و عدم اتقان مباحث کلامی وقف باشد. این مقاله، درصدد بازگشایی برخی زمینه‌ها با این نگاه است و البته مدعی سخن نهایی و رأی جامع هم نیست.

## □ ماهیت وقف

در نصوص اسلامی و عبارات فقیهان، ماهیت وقف را خیر، نیکی و برّ، و مشروعیت آن را به دلیل عقلی مفید بودن برای مصالح اجتماعی و انسانی دانسته‌اند. وقف همراه با معصیت و اضرار به دیگران را غیر مشروع می‌دانند<sup>۱</sup> و حتی در شرایط واقف، اهلیت او برای تبرع را قید کرده‌اند<sup>۲</sup>.

نوع‌دوستی، ترحم، تعاون و خیرخواهی، جزئی از خلق و خوی آدمی است و وقف به عنوان یکی از مصادیق آنها و راهی برای وصول به آنها در امت‌ها و ادیان قبل از اسلام نیز وجود داشته است. تاریخ‌نگاران، از اوقاف ابراهیم خلیل به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین وقف‌های قبل از اسلام یاد کرده‌اند<sup>۳</sup>. موبدان و کاهنان برای اداره معابد و صومعه‌ها و آتشکده‌ها، نذور و موقوفاتی در اختیار داشته‌اند و مسیحیت و یهود برای اداره زندگی اسقف‌ها و خاخام‌ها از موقوفات بهره می‌برده‌اند<sup>۴</sup>. از این رو، وقف از نظر فقیهان مسلمان، حقیقت شرعی ندارد<sup>۵</sup> و از احکام تأسیسی اسلام نیست؛



هدف والای دین، در پرتو زمینه‌های مساعد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به دست می‌آید. وقف، وسیله‌ای برای ایجاد این زمینه‌هاست و اقدام بر خلاف آن هر چند با توجیحات شرعی باشد، بر وفاق خاستگاه‌های دین نیست.

در دوره جدید، کسانی که خواهان الغای وقف شدند، استدلالشان تعارض وقف با مصالح اجتماعی و رشد جامعه و عدالت اجتماعی بود<sup>۱۱</sup>؛ با اینکه از نگاه تسالم و توافق وقف با مقاصد شریعت، وقف دقیقاً معطی به عدالت، رشد و مصالح اجتماعی است. اهدافی که اسلام برای وقف در نظر گرفته، شخصی یا اجتماعی است. ابوحامد غزالی گفته است: وقف موجب از بین رفتن گناهان و قرار گرفتن در حفاظت خدا می‌گردد<sup>۱۲</sup> که از اهداف شخصی وقف محسوب می‌شود. انباشت و تکاثر بیش از حد ثروت و مکنث، اسراف، زیاده‌روی و استکبار را به دنبال خواهد داشت. معمولاً عدم التزام به ضوابط دینی و میزان‌های اخلاقی در پولداران بیشتر است. انفاق و وقف، یکی از راههایی است که برای واقف و منفق، سلامت روحی و آرامش معنوی و اجتناب از گناه را در پی می‌آورد. این نکته در آیاتی از قرآن از جمله آیه مشهور کنز و روایات متعدد مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است<sup>۱۳</sup>. پیامبر(ص) در مورد ثروت‌هایی که به جای وسیله، هدف شده‌اند، می‌فرماید:

سکه‌های زرد دینار و سکه‌های سفید درهم، هلاک‌کننده شماست؛ همان طور که مردمان گذشته را به هلاکت رساند<sup>۱۴</sup>.

امروزه بیشتر به اهداف اجتماعی وقف توجه دارند. عناوینی مانند عدالت اجتماعی، کاهش یا نابودی فواصل طبقاتی، رشد ثروت‌های عمومی و تعدیل اقتصادی، رفاه همگانی و تعاون اجتماعی را سرلوحه‌های وقف بر می‌شمارند. گویا همین انتظارات اجتماعی از وقف در دوره معاصر، موجب رویکرد از اغراض شخصی به اهداف اجتماعی شده و ذهنیت‌ها را درباره ماهیت وقف دچار تحول و تطور گردانده است. این تحول، ذیل تحول معرفت‌شناختی قرار دارد که رهیافت‌اش نسبت به دین، اجتماعی است؛ یعنی از دین

بلکه اسلام سیره جاری ادیان و ملل پیشین را به عنوان یک عمل نیکو و مقبول تأکید کرده است<sup>۶</sup>. با عنایت به این نکات، وقف بیشتر عملی انسانی است تا اینکه مربوط و منسوب به شریعت خاصی باشد و روش‌های سیره عقلا و عرف بر آن حاکم است. بر این اساس می‌توان به وقف به مثابه مبحثی با پشتوانه مصالح عقلایی نگریست.

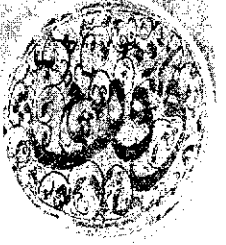
## □ وقف و اهداف دین

وقف، زمینه‌ساز و بسترساز تحقق اهداف دین و مقاصد شریعت است. اگر دین را برنامه‌ای برای ارتقای ابعاد انسانی آدمی و تأسیس جامعه‌ای مطلوب بدانیم، وقف، پاره‌ای از آن برنامه برای نیل به آن اهداف است. به همین دلیل، فقها، وقف برای قطاع طریق را چون تخریب انسانی و اجتماعی در آن هست، صحیح ندانسته‌اند<sup>۷</sup>. همچنین گفته‌اند وقف بر کنیسه، معونه زنا، شراب‌خواری، تورات و انجیل مشروع نیست<sup>۸</sup> و در شرایط وقف، عدم اعانه بر معصیت و گناه را شرط دانسته‌اند<sup>۹</sup>.

در واقع، اهداف واقف در راستای مقاصد شریعت است و فقیهان با در نظر گرفتن این مفروض، به استنباط احکام وقف می‌پردازند. همچنین مجریان وقف، اعم از واقف و موقوف‌علیه و ناظران یا والیان، با توجه به اهداف بلند شریعت و نیز با در نظر گرفتن اهداف در دسترس‌تر باید به اولویت‌سنجی‌ها بپردازند. بدون امعان‌نظر به مقاصد دیانت، برخی از شرع‌مداران با توجیحات و گناه استنباط‌هایی به تضييع اوقاف پرداخته‌اند. گاهی دیده شده علی‌رغم وفور اوقاف در یک منطقه، فقر و استضعاف شدید هم وجود داشته است. این سوء مدیریت‌ها یا سوء استفاده‌ها بعضاً در تاریخ گزارش شده است.

موقوفات تهران قبلاً در اختیار ملاعلی کنی و پس از مرگ او به دستور ناصرالدین‌شاه به داماد او امام جمعه واگذار شد و او مانند سلف خود، عواید این موقوفات را که حدود ۲۴ هزار تومان بود، به مصارف شخصی می‌رساند و طلاب همواره شکایت داشتند<sup>۱۱</sup>.

تقرب الی الله و سعادت فردی و اجتماعی به عنوان



انتظارات اجتماعی دارد و آن را به عنوان یک نهاد اجتماعی با کارکردهای ویژه منظور می‌نماید. بر اثر همین رهیافت است که نفی طبقات اجتماعی را در بطن اسلام می‌یابد<sup>۱۵</sup>. در نظر گرفتن مصالح عقلانی - اجتماعی برای وقف را شاید بتوان از دو روایتی که در علل الشرایع در موضوع وقف آمده است، به خوبی استیناس و دریافت نمود<sup>۱۶</sup>.

تحلیل رابطه وقف و اهداف دین (مقاصد شریعت) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تنها آقای کیسی در کتابش فصلی را به این موضوع اختصاص داده است و وقف را تابع مصالحی همچون تحکیم روابط اجتماعی می‌داند<sup>۱۷</sup>.

### □ کارکرد وقف در عدالت اجتماعی و فرهنگ عمومی

نظر بسیاری از فقها این است که مورد وقفی (موقوف) باید دایمی و ابدی وقف گردد<sup>۱۸</sup>. برخی فقها، مدعی اجماع بر تأیید و برخی مخالف تأیید هستند<sup>۱۹</sup>. چون نظام اجتماعی هیچ‌گاه از قشربندی و طبقه‌بندی‌های معمول خالی نیست و همواره افراد نیازمند در جامعه یافت می‌شوند، از این رو منبع سرمدی و مولد دایمی باید وجود داشته باشد. در شریعت اسلام، این مصلحت در نظر گرفته شده و شارع، سیره عقل را امضا فرموده و وقف را صدقه جاریه و شیوه حمایتی دایمی اسلام دانسته است<sup>۲۰</sup>. در بین فقیهان مسلمان، نزاعی بر سر وقف پول وجود داشته و دارد. دلیل کسانی که جایز نمی‌دانسته‌اند، ابدی نبودن پول و قابلیت تبدیل و تبدل و مصرف آن است<sup>۲۱</sup>.

ابن خلدون و ابن‌ارزق، معتقد به طبیعت ظالم انسان بودند و می‌گفتند: الانسان مطبوع علی الظلم و القهر<sup>۲۲</sup> و نیاز به راع و حاکمی است که همواره از ظلم جلوگیری کند. علامه طباطبایی هم انسان را فطرتاً سلطه‌جو می‌داند<sup>۲۳</sup>. وقف، روش و راه حلی برای کاهش ظلم و تشدید طبقات جامعه است و با توزیع ثروت‌ها می‌توان توازن اجتماعی را تسهیل کرد.

با پیدایش ایده‌های احیاگرانه نوگرایانه در جهان اسلام، شعار جدید عدالت در عرصه‌های اجتماعی و

سیاسی مطرح شد. از اوایل قرن نوزدهم، جهان اسلام به ضرورت اجرایی قوانین عدالت‌آمیز در همه زمینه‌ها توجه پیدا کرد. بدین رو به قانون‌خواهی و مشروطه‌گرایی پیدا کرد و از استبداد گریزان شد. مفهوم عدل توزیعی<sup>۲۴</sup> که از ارسطو به ارث رسیده بود، جلوه‌ای تازه نمود و مقبولیت یافت و همراه با رهیافت‌های غربی وارد ذهنیت اندیشمندان مسلمان گردید.

یک ذهنیت و تفکر افراطی در قالب سوسیالیسم وجود داشته و دارد که قوانین عدالت‌آمیز اسلام و حتی وقف را حمل به قبول سوسیالیسم می‌کند. سباعی، یکی از این افراد است که در مورد وقف می‌نویسد:

مراد قانونی حقوق‌دانان «از وقف عبارت است از بیرون آوردن ملک یا مال از ید اختیار مالکش؛ به نحوی که دیگر متعلق به شخص واحدی نباشد و منافعش مربوط و محدود به کسانی باشد که واقف منظور داشته» و این همانا ملی کردن است<sup>۲۴</sup>.

آقای عنایت در تحلیل گفته سباعی می‌نویسد:

حما عبارت است از نگه داشتن قطعه زمینی به عنوان مرتع برای استفاده عام. مشهور است که حضرت محمد(ص) و خلیفه عمر، زمینهایی برای ایجاد حما اختصاص داده‌اند. آنچه در این نهاد نهفته است، توجه به نیازهای طبقات ضعیف‌تر است<sup>۲۵</sup>.

سباعی در فصلی که به اوقاف اختصاص داده، حتی وقف ذری (اهلی) را راهی برای حفاظت ذریه واقف از فقر و فاقه می‌داند<sup>۲۶</sup>.

سه فرایند تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه که نتیجه طبیعی وقف است، زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی هستند. برخی پژوهش‌ها، نشان‌دهنده کارکرد اجتماعی - اقتصادی وقف هستند و نتایج مثبتی را به دست آورده‌اند<sup>۲۷</sup>.

منظور از تعدیل ثروت این است که در جامعه اسلامی، تفاوت سطح زندگی افراد در حدی نخواهد بود که جامعه را به یک جامعه طبقاتی تبدیل کند<sup>۲۸</sup>. تمرکز ثروت، زمینه‌ساز فساد اخلاقی مانند



مدرسه، وقف آن شد<sup>۳۴</sup>.

محمد عبده، موقوفه‌های نظامیه بغداد را پانزده هزار دینار نوشته است<sup>۳۵</sup>.

آقای محمد داغ، فصلی با عنوان «موقوفات و نقش و اهمیت آنها در تعلیم و تربیت» در کتابش گشوده و بسیاری از گزارشهای تاریخی را آورده است<sup>۳۶</sup>.

مبحث وقف کتابخانه خود داستان مفصلی دارد و در نشر دانش و ارتقای فرهنگ عمومی بسیار مؤثر بوده است<sup>۳۷</sup>.

آقای سپنتا در بررسی تاریخ اوقاف اصفهان، بخشی را به مراکز آموزش و پرورش وقفی در اصفهان، اختصاص داده است<sup>۳۸</sup>.

در دوران جدید، به ویژه در ایران، صبغه فرهنگی وقف کم‌رنگ شده است و بیشتر جنبه معیشتی و معماری یافته است؛ یعنی اکثر فعالیت‌های ادارات اوقاف، مصروف مرتفع کردن نیازهای مادی و روزانه قشری از مردم می‌گردد و حداکثر به تأسیس ابنیه جدید یا بازسازی بناهای گذشته می‌پردازد.

به عبارت دیگر، نهاد اوقاف، ترکیبی از نهاد امدادی مانند کمیته امداد و شرکت معماری شده است<sup>۳۹</sup>؛ البته اگر با خوش بینی قضاوت کرده باشیم. در حالی که با دقت نظر به خوبی می‌توان فهمید که نهاد وقف در اسلام دارای اهداف و رسالتی زیربنایی تر، اساسی تر، عمیق تر و گسترده تر است.

## □ انگیزه‌شناسی واقف

انگیزه‌های انسان‌ها برای وقف گوناگون است؛ اما آیا وقف حتماً باید با انگیزه «قربة الی الله و نیت شرعی» باشد و بدون آن مشروعیت ندارد؟

فقهای مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی، قصد قربت را شرط نمی‌دانند<sup>۴۰</sup>. در فقه شیعه هم اکثر آن را حتی در وقف عام نیز شرط ندانسته‌اند<sup>۴۱</sup>. فقهایی که قصد قربت را شرط دانسته‌اند، در اینکه آیا شرط جزء حقیقت یا خارج از حقیقت وقف است، اختلاف نظر دارند و بین وقف خیری و غیرخیری تفاوت قائل شده‌اند<sup>۴۲</sup>. بعضی، انگیزه واقف‌ها را به دینی، اجتماعی، واقعی و غریزی تقسیم کرده‌اند<sup>۴۳</sup>. کسانی دیگر، سه گونه انگیزه بر

فخرفروشی و اخلاقیات سلطه‌گری و استبدادی و خودبزرگبینی می‌گردد و توازن جامعه را بر هم می‌زند و در نهایت، همکاری و توازن اجتماعی از بین رفته، منازعات اجتماعی تشدید می‌گردد. اسلام برای تعدیل ثروت، مکانیسم‌ها و ابزارهایی مانند زکات، خمس، منع از احتکار و انفاق، هبه، وقف و صدقه را در نظر گرفته است<sup>۲۹</sup>.

رابطه وقف و عدالت اجتماعی، در کتابهای فقهی و تاریخی گذشته مورد بحث و بررسی قرار نگرفته؛ ولی به تازگی چند اثر در این باره عرضه شده است<sup>۳۰</sup>.

وقف در طول تاریخ اسلام، کمک شایانی به ارتقای فرهنگ و عقلانیت و رشد افکار عمومی و علوم کرده است. گزاره نیست که گفته شود تمدن و فرهنگ اسلام بر خدمات وقف اتکا دارد<sup>۳۱</sup>. از این نظر، وقف با هدف اسلام که بالا بردن آگاهی‌ها و عقلانیت است، کاملاً تطابق دارد.

گزارش‌های زیادی در تاریخ راجع به آثار مثبت و کارکرد نیکوری وقف مندرج است. نوشته‌اند که ابومنصور -یکی از وزرای آل بویه- کتابخانه خود را که دارای نود هزار جلد کتاب بود، برای طالبان علم وقف کرد<sup>۳۲</sup>. تأثیر وقف در تأسیس نهادهای تعلیم و تربیت و اداره آنها، به کثرت در کتاب‌های تاریخ گزارش شده است که برای نمونه چند نقل آورده می‌شود:

هنگامی که ساختمانی برای آرمانهای

آموزشی سر پا می‌شد، معمولاً موقوفه‌هایی سرشار و گشاده‌دست پشتوانه داشت...

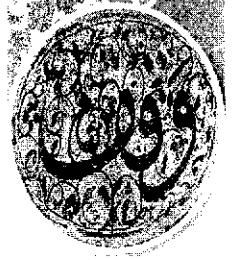
بیت‌الحکمه، نخستین نهاد رسمی آموزشی بود که توسط مأمون تأسیس شد و او نمی‌خواست

پیشرفت دانش به دست و دل‌بازی اتفاقی و خصوصی خلفا یا بزرگان و سران دولت وابسته

باشد و با ارجحی راستین که به شخصیت ادیبان می‌گذارد، آن را بسا پدید آوردن موقوفه‌های

همیشگی برای پیشبرد و پشتیبانی، جدا و رها از پیشکش‌های اتفاقی قرار داد<sup>۳۳</sup>.

ابن جوزی می‌نویسد: برای اداره نظامیه بغداد، موقوفه‌هایی شامل خانه، زمین کشاورزی و بازار مجاور



شمرده‌اند: دینی، غریزی و نسبی. آنان برای انگیزه نسبی این روایت پیامبر را شاهد آورده‌اند: ان من الذنوب ذنوباً لا یغفرها الا الله للعیال و ریشه انگیزه غریزی را حس نوع دوستی و حب نفس انسان دانسته‌اند.<sup>۴۴</sup>

به نظر می‌رسد که در وقف، اصل عمل و حسن فعلی آن - نه فاعلی - مهم است؛ هر چند اگر با نیت قربت انجام پذیرد، کمال بیشتری می‌یابد و به حسن فاعلی هم متصف می‌گردد. گویا شارع با شرط نکردن قصد قربت، در صدد ازدیاد و تکثیر این عمل خیر و نیکو در جامعه اسلامی است تا کسانی با انگیزه‌های تظاهر، کسب وجهه و مشهور شدن اقدام به انجام وقف کنند؛ البته به شرط اینکه مشتمل به معصیت و فسق نباشد.

اگر ادارات اوقاف با این نگاه به ترویج وقف بپردازند، موفق‌ترند تا اینکه واقف را در ستر و خفا نگه دارند. حتی فقه اسلامی، کسی را که به انگیزه انسان دوستی برای اهل ذمه وقف می‌کند، مورد بررسی قرار داده و مشروعیت آن را پذیرفته است.<sup>۴۵</sup> در شرایط مسوقوف علیه، عدم معصیت، نیت خیر داشتن و نه مسلمان بودن، مورد توافق فقیهان است.<sup>۴۶</sup> واقف هم لازم نیست حتماً مسلمان باشد؛ بلکه وقف کافر نیز پذیرفته می‌شود.<sup>۴۷</sup>

#### □ تعارض یا توازی وقف با مصالح اجتماعی

در دوره معاصر، عده‌ای معتقد به الغای وقف شدند. به ویژه در مورد وقف ذری (اهلی) حساسیت بیشتری داشتند و آن را با مصالح اجتماعی ناسازگار می‌دانستند.<sup>۴۸</sup> گزارش محمد ابوزهره در مورد وقف ذری<sup>۴۹</sup> در مصر اینگونه است:

امرا و بزرگان که زمین‌های بزرگ و اموال زیاد داشتند و هر مدتی کسانی بر آنها غلبه می‌کرده و اموالشان را مصادره می‌نمودند، از این رو برای حفاظت و نگهداری اموالشان، آنها را وقف فرزندان یا زنان خود می‌کردند.<sup>۵۰</sup>

در اوایل قرن هجدهم برای اولین بار محمدعلی پاشا فرمانی مبنی بر ممنوعیت انشاء اوقاف جدید صادر کرد و محمد الجزایرلی - مفتی حنفیان - نیز آن را تأیید کرد و آن را مستند به مصالح شرعی دانست.<sup>۵۱</sup> در سده نوزدهم، تلاش‌های کسانی همچون قاسم امین، علی علوی، احمد

رمزی و احمد یوسف الجندی که داعیه تجدیدخواهی داشتند، بیشتر شد<sup>۵۲</sup> و مباحث حقوقی فراوانی در بین محافل حقوقی و فقهی و پارلمان مصر در گرفت که نتیجه آن، پیروزی طرفداران وقف و تصویب قانون شماره ۴۸ سال ۱۹۴۶ بود؛ ولی بعدها با روی کار آمدن دولت جدید دوباره قوانین وقف به جریان افتاد و طی مصوبه‌ای، وقف اهلی را ملغاً کرد.<sup>۵۳</sup> در لبنان هم مباحث حقوقی و اختلاف آراء وجود داشت.<sup>۵۴</sup> البته اصل وقف را الغا نکردند؛ ولی قوانین کیفری برای سوء استفاده از وقف وضع کردند.<sup>۵۵</sup> در شبه قاره هند، عدن و آفریقا نیز همین مباحث و تنش‌ها در دوره جدید وجود داشته است.

اگر یکی از رسالت‌های دین، سامان بخشی به نظام اجتماعی باشد، به تازگی گفته‌اند که وقف کلاً یا حداقل بعضی از انواع آن، مخالف نظام اجتماعی و بالمآل رسالت دین است؛ چرا که کسانی از طریق وقف، قوانین اجتماعی مربوط به مالیات یا عدالت اقتصادی و اجتماعی را نقض کرده، از همین راه بر اقتدار اجتماعی و سلطه مالی خود می‌افزایند که نتیجه آن، افزایش شکاف‌های طبقاتی و استضعاف بیشتر است. مشاهده اینگونه سوء استفاده‌ها از وقف در سطح کلان جامعه‌های جهان اسلام، منجر به پیدایش و طرح نظریه الغای وقف شد و در بسیاری از کشورهای جهان اسلام، دو جریان موافق و مخالف وقف به وجود آمد. استدلال جریان موافق با تمسک به ادله و استحسانات عقلی و نیز ادله شرعی اینگونه بود که وقف اساساً برای عدالت اجتماعی و تحفظ خانواده‌ها از فقر، حفظ کیان خانواده و تأمین اجتماعی است و سوء استفاده‌ها، موارد نادری است که باید از آنها جلوگیری گردد؛ ولی طرفداران الغای وقف می‌گفتند: وقف تبدیل به ابزار قدرت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شده و از حالت خدمت به اقشار مردم، به خدمت حاکمان در آمده است و نه تنها موجبات عدالت اجتماعی را فراهم نیاورده، بلکه شکاف‌ها را بیشتر ساخته و زمینه‌های ترویج ارزش‌های منفی مانند تفاخر و استکبار را پدید آورده است.<sup>۵۶</sup>

بحران مشروعیت وقف در مصر، در نهایت منجر به



عدالت و نیکویی در جامعه است و دولتی شدن وقف، سد و مانعی در مطلوبیت فرایند وقف است؛ برعکس، مردمی کردن آن، نتایج بسیار مطلوبی را در پی خواهد داشت. البته در کشورهای غربی، اداراتی برای نظارت بر حسن اجرای موقوفات وجود دارد که مدیران آنها مانند شهرداری‌ها از سوی خود مردم - مستقیم یا غیر مستقیم - انتخاب می‌شوند. اینان در واقع هیأت‌های امنایی هستند که کارهای وقفی را سرپرستی می‌کنند.

در فقه اسلامی حتی در صحت و وقف و انعقاد آن، دلیل شرط نکردن اذن حاکم شرع را علت عمومی بودن وقف یا به عبارت دیگر، مردمی بودن آن دانسته‌اند<sup>۶۳</sup>. به هر حال، ابعاد مختلف ولایت بر وقف، در فقه اسلامی تبیین شده و نتیجه آن این است که به استثنای موارد ضروری، نیازی به سرپرستی و نظارت حکومت نیست<sup>۶۴</sup>. این استثناء، شامل مواردی می‌شود که وقف از اموال عمومی است یا مورد اختلاف و تنازع است که نیاز به نظر حاکم شرع برای حل آن وجود دارد.

## □ کارکردگرایی وقف

شرط عقل و امانت‌داری برای والیان وقف، مورد توافق است<sup>۶۵</sup> و بعضی عدالت و کفایت را شرط دانسته‌اند<sup>۶۶</sup>. تعقل در اینجا به معنای داشتن دانش‌ها و آگاهی به مباحث نظری نیست؛ بلکه منظور حسن تصرف، بهره‌برداری بهینه، مجهز بودن به دانش روز مانند علم اقتصاد، کارشناسی برای در نظر گرفتن اولویت‌ها و ضرورت‌ها و کاردانی نسبت به بهره‌گیری از روش‌های مطلوب است. حتی ادعای اجماع شده که با در نظر گرفتن مصلحت می‌توان مورد وقف را تبدیل کرد<sup>۶۷</sup>، از این منظر مبحث فقهی ذیل که به صورت حکم شرعی عرضه شده، قابل بازنگری است:

به هنگام زوال رسم مندرج در وقف، آن به واقف باز می‌گردد و موقوفه از وقف خارج می‌شود<sup>۶۸</sup>.

کفایت را به قدرت تشخیص و کاردانی تعریف کرده‌اند که اختصاص به مردان هم ندارد<sup>۶۹</sup>. در روایات و عبارات فقیهان، وقف را به «حبس الاصل و سبیل الثمرة<sup>۷۰</sup> یا سبیل (سبیل) المنفعة<sup>۷۱</sup>» تعریف کرده‌اند. واژه سبیل به معنای راه یا راه‌های ثمردهی و منفعت‌آفرینی و

تنظیم قوانین جدید شد و وقف اهلی را لغا کردند<sup>۵۷</sup>. یکی از بزرگترین موقوفات ایران در پیش از انقلاب اسلامی، موقوفات بنیاد پهلوی بود که هر چند در وقف‌نامه آن، در ده ماده و دو تبصره، اهداف خیر و امداد محرومان پیش‌بینی شده بود، ولی عملاً اموال عظیمی بود که در راه استحکام قدرت به کار گرفته می‌شد. در وقف‌نامه آن، متولیان پس از شاه و فرح را به گونه‌ای پیش‌بینی کرده بودند که از خانواده سلطنتی خارج نشود<sup>۵۸</sup>.

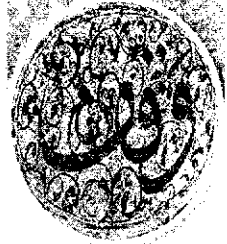
اصلاح طلبان قوانین وقف، نه از سر بی‌دینی یا مخالفت با احکام شریعت، بلکه برای اجرای روح صریح قوانین شریعت و تحقق آسایش و رفاه اجتماعی و جلوگیری از سوء استفاده‌ها اقدام کردند<sup>۵۹</sup>.

## □ وقف، نهادی مردمی یا منصبی حکومتی

مبحثی زیر عنوان «نظارت و ولایت بر اوقاف» در بیشتر

کتاب‌های وقف وجود دارد. فقیهان، نظارت و اداره موقوفات را مسلم، و به ترتیب، واقف و موقوف‌علیه را متصدی آن دانسته‌اند؛ یعنی خود واقف، اداره وقف را عهده‌دار است یا کسی را به عنوان مدیر و ناظر معین می‌کند و اگر میسر نشد، موقوف‌علیه، عهده‌دار اداره و نظارت می‌گردد یا ناظری تعیین می‌کند و در مرتبه سوم، در صورت عدم امکان نظارت واقف و موقوف‌علیه، حاکم شرع کسی را تعیین می‌کند<sup>۶۰</sup> بنابراین اولاً برای نگهداری و استفاده بهینه، نظارت و مدیریت لازم است و ثانیاً مدیریت متمرکز نیست؛ بلکه مسئولیت آن در درجه اول به اشخاص حقیقی دست اندر کار واگذار شده است<sup>۶۱</sup>.

در برخی کشورها، وقف را دولتی کرده و دستگاه عریض و طویلی برای انجام امور آن به وجود آورده‌اند که بسیاری از اموال موقوفه یا درآمد‌های آن مصرف آن بوروکراسی می‌گردد. در این شیوه، غیر از به هدر رفتن موقوفات، مردم با مشاهده آن از وقف کردن دلسرد می‌شوند. این غیر از تقصیرهایی است که متولیان دولتی در نگهداری و صیانت یا نمو موقوفات انجام می‌دهند<sup>۶۲</sup>. شارع در صدد گسترش وقف به منزله نهادینه کردن



سودآوری است که ضمناً گویای تکثیر و ازدیاد منافع نیز هست. در هر موقوفه‌ای، راه‌ها و روش‌های مختلفی برای استفاده و بهره‌گیری و سودآوری وجود دارد که تنها در یک فرایند کارشناسی می‌توان بهترین آنها را تشخیص داد. اینکه در تعریف وقف، راه منفعت با نگهداری اصل مال لحاظ شود، بسیار مهم است. نمی‌توان موقوفات را با عدم تخصص و داشتن آگاهی لازم و کافی به جریان سوددهی انداخت؛ بلکه باید با توجه به همه جوانب کارشناسی شده، بالاترین سود را به دست آورد و در راه‌های وقفی مصرف کرد.

گاهی وقف را به سه نوع خیری (مصرف در راه‌های خیر مانند وقف بیمارستان)، دینی (وقف در جهت عبادت خداوند و اعمال دینی) و وقف ذری (وقف برای اشخاص خاص) <sup>۷۲</sup> و گاهی به چهار نوع عام، خاص، انتفاع و منفعت <sup>۷۳</sup> طبقه‌بندی کرده‌اند که در همه آنها، ازدیاد بهره‌وری و حداکثر استفاده‌بری مورد نظر است. حتی در وقف دینی، ساختن مسجد برای عبادت، در صورت رکود مسجد و عدم استفاده از آن یا حداکثر بهره نبردن از آن، با اصل تعریف وقف سازگاری ندارد. گاهی مشاهده می‌شود مکانی را برای مسجدی وقف می‌کند و ساختمان مجللی در آن می‌سازند؛ ولی از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، یک یا دو ساعت مفتوح است و بعضاً نمازهایی به دلیل نبود نمازخانه قضا می‌گردد. این نگرش را با مسجد وقفی پیامبر (ص) در مدینه مقایسه کنید که شبانه‌روز آماده خدمتگزاری برای نماز و دانش و حتی بیتوته افراد بی‌پناه بود.

قرآن، اتفاق را به دانه‌ای که هفت برابر می‌شود، تشبیه کرده است: ﴿مَثَلُ الَّذِي يَنْقُوتُ اَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ﴾ <sup>۷۴</sup> در این آیه، افزایش مال اتفاق‌کننده تضمین شده است؛ ولی بطن دیگر این آیه شاید این باشد که با روش‌های معقول و مطلوب بهره‌وری، وقف یا صدقه را می‌توان افزایش داد. البته هفت سمبل کثرت است.

به هر حال، به هر موقوفه باید به چشم یک واحد خصوصی اقتصادی یا معنوی نگریست که باید حداکثر فایده از آن به دست آید.

۱. احکام الاوقاف، محمدشفیع العانی، بغداد، الشركة الاسلامیة للطباعة، ۱۳۷۵ق، ص ۹.
۲. «اسرار التشريع الاسلامی و فلسفته»، عباس طه المحامی، مجلة الأزهر، مجلد ششم (۱۳۵۴ق).
۳. احکام الاوقاف، محمدشفیع العانی، ص ۴.
۴. محاضرات فی الوقف، محمد ابوزهره، مصر، ۱۹۵۹م، ص ۱۷.
- احکام الوقف فی الشریعة الاسلامیة، محمد عبید عبدالله الکیسی، ج ۱، صص ۲۱-۳۲، وقف در ایران، مینودخت مصطفوی رجایی، صص ۱۳-۱۳۴، «وقف از دیدگاه اسلام»، محمد ابراهیم جناتی، میراث جاویدان، ش ۵؛ موجز الوقف، محمد سلام مذکور، القاهرة، ۱۹۶۱م، صص ۵-۷.
۵. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۳، ص ۸۱؛ مستند الشیعه، محمد مهدی نراقی (چاپ سنگی)، کتاب وقف.
۶. رساله فی جواز وقف النقود، محمد بن محمد عمادی افندی حنفی، به کوشش ابوالاشبال صغیر احمد شاعغ پاکستانی، ص ۸؛ «وقف در میان ملت‌های جهان و مذاهب اسلامی»، رضا شیروانی شیرازی، میراث جاویدان، ش ۵؛ جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، ج ۲۸، ص ۳۱.
۷. احکام الاوقاف، محمدشفیع العانی، ص ۶۵.
۸. الشرايع فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی، تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۲۱۴.
۹. احکام الاوقاف، محمدشفیع العانی، ص ۲۳.
۱۰. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ۲-۴/۶۳۳.
۱۱. «مشروعیة الوقف الاهلی و مدى المصلحة فيه»، محمد الکیسی، ندوة مؤسسه الاوقاف فی العالم العربی الاسلامی، صص ۱۹-۴۹.
۱۲. کیمیای سعادت، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵.
۱۳. علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان، نکات بدیع و لطیفی ذیل آیه کنز ارایه کرده‌اند (ترجمه ۹۰/۱۸-۱۱۷).
- برای روایات مربوط به کنز نگاه کنید به قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۱۶، صص ۱۵۱-۱۵۳.
۱۴. اقتصادنا، محمدباقر صدر، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۲۹۳.
۱۵. نگاه کنید به مقاله «الدین و الطبیقات الاجتماعیة»، نوشته غریب سیداحمد در مجموعه الدین فی المجتمع العربی، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۰م.
۱۶. علل الشرايع، شیخ صدوق، [قم]، دارالحجة للنقا، ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص ۱۲ و ۱۷.
۱۷. احکام الوقف فی الشریعة الاسلامیة، محمد عبید عبدالله الکیسی، ج ۱، ص ۱۳۳ به بعد. این کتاب زیر عنوان احکام وقف در شریعت اسلام در دو جلد توسط احمد صادقی نگذر چاپ شده است (تهران، انتشارات اداره کل حج و اوقاف استان مازندران، ۱۳۶۶).
۱۸. برای نمونه نگاه کنید به الخلاف در سلسله البنايع الفقهية به کوشش علی اصغر مروارید، ج ۳۴، ص ۵.
۱۹. نگاه کنید به الوصایة و الاوقاف، هاشم معروف الحسینی، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۰م، صص ۱۵۷-۱۶۲.
۲۰. روایتی از طریق مسلم و دیگران نقل شده است: اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث: صدقة جاریة او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له. فیض القدير شرح جامع الصغير، حدیث شماره ۸۵۰، ج ۱، ص ۴۳۷؛ در بحارالانوار نیز از طریق شیعه روایاتی با این مضمون یافت می‌شود (بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، صص ۱۸۱-۱۸۷).
۲۱. برای اقوال اهل سنت نگاه کنید به رساله فی جواز وقف النقود، محمد بن محمد عمادی افندی حنفی، به کوشش ابوالاشبال صغیر احمد شاعغ پاکستانی و برای نظریات شیعه نگاه کنید به جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۱۹.
۲۲. مقدمه ابن خلدون، بدائع السلوک فی طبایع الملوک. تحلیل



۴۵. شرايع في مسائل الحلال و الحرام، محقق حلي، ج ۲؛ ص ۲۱۴.

۴۶. الوصايا و الاوقاف في الفقه الاسلامي، محمد كمال الدين امام، ص ۲۱۹.

۴۷. تحرير الوسيلة، امام خميني، ج ۲؛ ص ۶۹.

۴۸. «مشروعة الوقف الاهلي و مدى المصلحة فيه»، محمد الكبيسي، ندوة مؤسسة الاوقاف في العالم العربي الاسلامي، ص ۲۰.

۴۹. براي وقف ذري و انواع آن نگاه كنيد به احكام وقف، زهدى يكن، صيدا، مكتبة العصرية، بي تا؛ احكام الوقف في الشريعة الاسلامية، محمد الكبيسي.

۵۰. محاضرات في الوقف، محمد ابوزهره، مصر، ۱۹۵۹م، ص ۲۵.

۵۱. الوصايا و الاوقاف في الفقه الاسلامي، محمد كمال الدين امام، ص ۱۶۴.

۵۲. همان، ص ۱۶۵.

۵۳. همان، ص ۱۶۶.

۵۴. نگاه كنيد به: همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۵۵. تحولات حقوقي جهان اسلام، نورمن اندرسون، ترجمه جليل قنوتی و ديگران، ص ۲۳۴.

۵۶. نگاه كنيد به «مشروعة الوقف الاهلي و مدى المصلحة فيه»، محمد الكبيسي، ندوة مؤسسة الاوقاف في العالم العربي الاسلامي، صص ۱۹-۴۹.

۵۷. محاضرات في الوقف، محمد ابوزهره، مصر، ۱۹۵۹م، ص ۲۵.

۵۸. نگاه كنيد به وقف در ايران، مينودخت مصطفوي رجالي، ص ۱۵۸.

۵۹. تحولات حقوقي جهان اسلام، نورمن اندرسون، ترجمه جليل قنوتی و ديگران، ص ۲۳۳.

۶۰. براي مطالعه ديدگاههاي مختلف در اين باره در فقه سني و شيعة نگاه كنيد به: محاضرات في الوقف، محمد ابوزهره، صص ۳۵۴-۳۶۵؛ «وقف از ديدگاه مباني اسلامي»، محمدابراهيم جناني، ميراث جاويدان، ش ۵.

۶۱. معجم الفقه الحنبلي مستخلص من كتاب المغني لابن قدامة، الكويت، وزارة الاوقاف، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۱۰۶.

۶۲. بخشي از ندانم كاري و تقصيرهاي متوليان وقف در اين مقاله گزارش شده است: «اسرار التشريع الاسلامي و فلسفته»، عباس طه المحامي، نورالاسلام، سال ششم (۱۳۵۴).

۶۳. الفصول الشرعية على مذهب الشيعة، محمدجواد مغنیه، بيروت، دارالافتاء، ۱۹۷۴م، ص ۶۳.

۶۴. نگاه كنيد به الوصاية و الاوقاف، هاشم معروف الحسيني، صص ۲۴۱-۲۴۳.

۶۵. احكام الاوقاف، محمدشفيق العاني، ص ۶۵.

۶۶. الوصايا و الوقف في الفقه الاسلامي، وهبة الزحيلي، ص ۲۳۲.

۶۷. موسوعة الاجماع في الفقه الاسلامي، سعدى ابوجيب، دمشق و بيروت، دارالفكر و دارالفكر المعاصر، ۱۴۱۸ق، ۳/۱۳۷۳.

۶۸. الوسيلة و الاوقاف، هاشم معروف الحسيني، صص ۲۲۹-۲۳۱.

۶۹. الوصايا و الوقف في الفقه الاسلامي، وهبة الزحيلي، ص ۲۳۲.

۷۰. براي نمونه نگاه كنيد به الخلاف شيخ طوسي در سلسله يتابع الفقهاء، به كوشش علي اصغر مرواريد، ج ۳۴، ص ۶.

۷۱. جواهرالكلام في شرح شرايع الاسلام، به كوشش علي آخوندی، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا، ج ۲۸، ص ۳.

۷۲. معجم المصطلحات الفقهية و القانونية، جرجس جرجس، بيروت، الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۹۶م، ص ۳۲۲.

۷۳. «وقف از ديدگاه مباني اسلام»، محمدابراهيم جناني، ميراث جاويدان، ش ۵، ص ۵۰.

۷۴. بقره، آية ۲۶۱.

ديدگاههاي آن دو در كتاب مفهوم العدل في الاسلام نوشته مجيد خدوري (دمشق، دارالحصاد، ۱۹۹۸)، فصل هشتم «العدل الاجتماعي» آمده است.

۲۳. نگاه كنيد به مقاله «نظريه علامه طباطبائي در باب توحش طبيعي و تمدن فطري انسان»، ضميمه كتاب شريعت در آينه معرفت، تهران، رجاء، ۱۳۷۲، صص ۴۰۱-۴۲۵.

۲۴. اشتراكية الاسلام. مصطفى السباعي، دمشق، ۱۹۵۸، صص ۳۸ و ۸۹-۱۰۰.

۲۵. انديشه سياسي در اسلام معاصر، حميد عنايت، ترجمه بهاءالدين خرمشاهي، چاپ سوم، تهران، خوارزمي، ۱۳۷۲، ص ۲۵۶.

۲۶. اشتراكية الاسلام، صص ۳۲۸-۳۲۹.

۲۷. دو گزارش از كسور مغرب با مشخصات ذيل در دست است كه نشان دهنده كاركرد مثبت وقف در كسور مغرب است: «الوقف الاسلامي و اثره في الحياة الاجتماعي في المغرب»، السعيد بريك، ندوة مؤسسة الاوقاف في العالم العربي و الاسلامي، «دور الاوقاف المغربية في التكافل الاجتماعي»، محمد المنوني، در همان مجموعه.

۲۸. مباني اقتصاد اسلامي، دفتر همكاري حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، ۱۳۷۱، ص ۴۱۰.

۲۹. محمد شوقي فنجري، مقاله جامعي در زمينه عدالت اجتماعي و توزيع ثروتها دارد: «الاسلام و عدالة التوزيع». ندوة الاقتصاد الاسلامي، بغداد، المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم، ۱۴۰۳ق، صص ۳۲۵-۳۷۰.

۳۰. الوقف وسيلة لتحقيق العدالة الاجتماعية نوشته محمد شاطي؛ الوقف الاسلامي و الدور الذي لعبه في النمو الاقتصادي و الاجتماعي، نوشته عبدالملك احمد السيد. البته هر دو مقاله است كه اولي به ندوة المحاضرات (مكة مكرمه) و دومي به المؤتمر الدولي الثاني للاقتصاد الاسلامي (اسلام آباد، ۱۴۰۵) ارايه شده است.

۳۱. نگاه كنيد به مقدمه اي بر فرهنگ وقف، ابوسعيد احمدبن سلمان، تهران، انتشارات سازمان اوقاف، بي تا.

۳۲. آل بويه و اوضاع زمان ايشان، علي اصغر فقيهي، ص ۵۳۳.

۳۳. تاريخ آموزش در اسلام، احمد شبلي، ترجمه محمدحسين ساكت، صص ۲۸۶-۲۸۷؛ نيز نگاه كنيد به بيت الحكمة في عصر العباسين، خضر احمد عطاءالله، صص ۲۰۳-۲۰۸.

۳۴. المنتظم، ج ۸، ص ۲۵۶.

۳۵. الاسلام و النصرانية مع العلم و المدنية، ص ۹۸.

۳۶. تاريخ تعليم و تربيت اسلام، محمد داغ و حفظ الرحمن الرشيد ايمى، ترجمه علي اصغر كوشافر، صص ۲۷۷-۲۸۱.

۳۷. براي ابن ميثق نگاه كنيد به كتاب كتابخانههاي عمومي و نيمه عمومي عربي در قرون وسطي، نوشته اسدالله علوي؛ مقاله زير نيز بسياري از نكات مفيد را آورده است:

"Background of the History of muslim Libraries" by Ruth S. machensen. *The American Journal of semitic Languages and Literatures*, 51 (January 1935). p. 123.

۳۸. تاريخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسين سبينتا، اصفهان، اداره اوقاف اصفهان، بي تا.

۳۹. نگاه كنيد به آمارهاي وقف در ايران؛ از جمله نگاهی به وقف و آثار اقتصادي و اجتماعي آن، مصطفى سليمي فر، ص ۱۰۰.

۴۰. الوقف الاسلامي و اثره في الحياة الاجتماعية، السعيد بوركية، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۴۱. تحرير الوسيلة، امام خميني، ج ۲، ص ۶۴.

۴۲. محاضرات في الفقه، محمد ابوزهره، صص ۹۲-۱۰۵.

۴۳. احكام الوقف في الشريعة الاسلامية، محمد الكبيسي، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴۴. «مشروعة الوقف الاهلي و مدى المصلحة فيه» محمد الكبيسي، ندوة مؤسسة الاوقاف في العالم العربي الاسلامي، صص ۱۹-۴۹.

